

The Realization of the Binary Opposition of Cosmos/Chaos in the Visual Properties of the *Iran* Newspaper during the Nasserid Period*

Abstract

Cosmos and Chaos are among the most significant dialectical binary oppositions in Lotman's semiotic theory, revealing a systematic relationship between signs and either culture or non-culture. The historical background of this opposition traces back to ancient Greek thought, where it was believed that the gods transformed chaos into order and beauty. Plato attributed this concept to the Demiurge, who, through contemplation of the realm of ideals, symbolically organized the chaotic material world. In Lotman's Cultural Semiotics, the concept of order elucidates the established characteristics of culture as collective memory raising awareness, while chaos emerges when the system experiences discontinuity and fragmentation. This state may be rectified through a process where structured memory allows the elements that caused chaos to be integrated and conceptually understood within the system. It therefore enables the gradual emergence of new concepts within culture and society. The publication of the first Persian newspapers during the Qajar period, resulting from intercultural interactions, initiated a new phase of cultural transformations in Iran. The encounter with an unfamiliar cultural environment, represented in newspapers, is recognized as a major source of chaos within the Iranian Semiosphere. Consequently, it is supposed that the visual characteristics of newspapers from this era, regarded as a semiotic space, were influenced by this chaos, reflecting efforts to establish a new visual representation that could meet the practical demands of publication. However, with the political and social changes during the later years of Nasir al-Din Shah's reign, the publication of newspapers also transformed, facing new challenges and forms of "chaos". The launch of the *Iran* newspaper marked the beginning of a new era of visual transformations in newspapers of this time. This research investigates how the signs of cultural cosmos and chaos emerged in the semiotic sphere of the press during Nasir al-Din Shah's reign, analyzing the visual characteristics of the *Iran* newspaper based on this binary opposition. To this end, the study presents an analytical model for understanding the dynamics of the binary opposition of cosmos/chaos within a semiotic sphere, elucidating the visual characteristics of this

Citation: Chatrbahr, Hamidreza; Masoumzadeh Jouzdani, Farnaz, & Salmani, Ali. (2025). The realization of the binary opposition of cosmos/chaos in the visual properties of the *Iran* newspaper during the Nasserid period. *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 30(4), 19-35. (in Persian)

Received: 24 Dec 2024

Received in revised form: 10 Mar 2025

Accepted: 15 Apr 2025

Hamidreza Chatrbahr¹ 

PhD in Art Research, Department of Art Research, Faculty of Higher Art Research and Entrepreneurship, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: h.chatrbahr@basu.ac.ir

Farnaz Masoumzadeh Jouzdani²  (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Graphic Design, Faculty of Visual Arts, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

E-mail: f.masoumzadeh@aui.ac.ir

Elaheh Abdolahabadi³ 

Associate Professor, Department of Philosophy of Art, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

E-mail: salmani@basu.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfava.2025.387391.667393>

newspaper while addressing two primary questions: First, how does the interaction between cosmos and chaos within a semiotic sphere facilitate the comprehensibility of cultural elements? Second, how is this binary opposition reflected in the visual characteristics of the "Iran" newspaper? This paper is exploratory in nature and employs a descriptive-analytical methodology, utilizing Lotman's cultural semiotics approach. Data were gathered from documentary sources, and research samples were selected purposefully from all the issues of the *Iran* newspaper. The findings indicate that the visual characteristics of the *Iran* newspaper were established through a historical process resulting from the interplay between cosmos and chaos in the broader semiotic sphere of Iran. In this evolution, certain prior norms were prioritized over others, and a new standard was constructed by confronting a cultural other in the publication of the *Iran* newspaper. Consequently, it achieved a hybrid identity formed through engagement with the cultural other and amalgamation with self-referential cultural patterns.

Keywords: cultural semiotics, cosmos/chaos, entropy, Qajar publications, Iran newspaper



© Authors retain the copyright and the full publishing.

Publisher: University of Tehran Press.

*This article is derived from the first author's doctoral dissertation, entitled "Explanation modeling systems as elements of Iranian identity in the graphic design of government publications in the Nasrid period based on Juri Lotman's cultural semiotics," under the supervision of the second author and with consultation from the third author at the Art University of Isfahan.

تحقق دو گانه نظم/آشوب (کاسموس/خائوس) در ویژگی های بصری روزنامه ایران در دوره ناصری*

چکیده

نظم/آشوب از مهم ترین مفاهیم دیالکتیکی نشانه‌شناسی لوتمان است که تعلق نظام‌های نشانه‌ای را به فرهنگ و نا-فرهنگ آشکار می‌کند. هدف این پژوهش دریافتن چگونگی به تصویر در آمدن این نشانه‌ها در سپهر نشانه‌ای روزنامه‌های دوره ناصری و مطالعه ویژگی های بصری روزنامه ایران با توجه به این دو مفهوم است. بدین منظور با ارائه الگویی تحلیلی برای درک مفاهیم مذکور و تبیین ویژگی های بصری روزنامه ایران، در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که: کنش متقابل نظم

و آشوب در یک سپهر نشانه‌ای چگونه باعث فهم‌پذیری عناصر فرهنگی می‌شود؟ و دو گانه‌ی مذکور چگونه در ویژگی های بصری روزنامه ایران منعکس شده است؟ این مقاله از نظر هدف توسعه‌ای و از نظر روش تجزیه و تحلیل توصیفی تحلیلی و با رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمان است. شیوه گردآوری اطلاعات به روش اسنادی، جامعه آماری آن تمام شمارگان روزنامه ایران و انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی های بصری روزنامه ایران در یک فرآیند تاریخی و در پی کنش میان نظم و آشوب در سپهر نشانه‌ای ایران تثبیت شد و در این صیورورت با عبور از برخی هنجارهای پیشین در انتشار روزنامه‌ها به هویتی آمیخته دست یافت که از نزدیکی به «دیگری» فرهنگی و آمیزش با خود-الگوهای فرهنگی پدید آمده‌اند.

واژه‌های کلیدی: آنترپوی، روزنامه ایران، مطبوعات دوره قاجار، نشانه‌شناسی فرهنگی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶

حمیدرضا چتربحر^۱: دکتری پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

E-mail: h.chatrbahr@basu.ac.ir

فرناز معصوم‌زاده جوزدانی^۲ (نویسنده مسئول): استادیار گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

E-mail: f.masoumzadeh@au.ac.ir

علی سلمانی^۳: دانشیار گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

E-mail: salmani@basu.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfava.2025.387391.667393>

استناد: چتربحر، حمیدرضا؛ معصوم‌زاده جوزدانی، فرناز و سلمانی، علی (۱۴۰۴). تحقق دو گانه نظم/آشوب (کاسموس/خائوس) در ویژگی های بصری روزنامه ایران در دوره ناصری. نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۳۰(۴)، ۱۹-۳۵.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نگارندگان، حق تکثیر و امتیاز کامل انتشار مقاله خود را حفظ می‌کنند.



* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین نظام‌های الگوساز هویت ایرانی در نشریات دولتی دوره ناصری بر اساس نظریه نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه هنر اصفهان ارائه شده است.

مقدمه

روش اسنادی و جامعه آماری آن تمام شماره‌های روزنامه ایران در دوره ناصری بوده و نمونه‌های مورد اشاره در این تحقیق به شکل هدفمند از میان این شماره‌ها انتخاب و تحلیل شده‌اند.

پیشینه پژوهش

بخش نخست پیشینه این پژوهش معطوف به روش‌شناسی و درباره مفاهیم نظم، آشوب و آنتروپی است. احمد پاکتچی (۱۳۸۳) در مقاله «مفاهیم متقابل طبیعت و فرهنگ در حوزه نشانه‌شناسی فرهنگی مکتب تارتو/مسکو» در تشریح دو مفهوم طبیعت و فرهنگ در نشانه‌شناسی فرهنگی به الگوی تقابلی خائوس و کاسموس پرداخته است. همچنین احمد پاکتچی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «معناسازی با چپش آشوب در نظم در رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی» دو گانه نظم و آشوب را به مثابه شیوه‌های پدیدآمدن معنا در هنرهای تصویری مطالعه کرده است. مسعود الگوته جونقانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «پژوهشی درباره ساختار اثر هنری از چشم‌انداز لوتمان»، ابعاد گوناگون نظریه لوتمان درباره ساختار اثر هنری و نظریات لوتمان درباره نقد ادبی و مفهوم نظم در اثر هنری را تشریح کرده است. خلیل بیگزاده و پریسا احمدی (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل رمان‌های مهاجرت بها ظاهر بر پایه کاسموس/نظم و خائوس/ آشوب مطالعه موردی: رمان مهاجرت عشق در تبعید و مجموعه داستان زمستان ترس» دو مفهوم خائوس و کاسموس را برای تحلیل متن ادبی به کار برده‌اند و در این تحلیل بر نقش آشوب در ایجاد واکنش‌های مخاطب و برانگیختن توجه به محتوای اثر تأکید کرده‌اند. همچنین خلیل بیگزاده و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل تطبیقی آشوب و نظم در رمان‌های چاه بابل و واحه غروب بر پایه الگوی نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمان» مفاهیم مذکور را برای تحلیل متون ادبی به کار برده‌اند و بر نقش فعال این دو مفهوم در ارائه ساختار روایی داستان متمرکز شده‌اند. شیرزاد طایفی و زهره سهرابی (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقد نشانه‌شناختی کارکرد آشوب در نظم در باب اول گلستان سعدی» با تأکید بر این دو مفهوم متضاد در ساختار روایت، معتقداند ارتباط میان کنشگران روایت برآمده از یک جایگاه اجتماعی است و تقابل‌های این کنشگران با این دو مفهوم ارتباط دارد. لازم به ذکر است این پژوهش‌ها براساس ویژگی‌های روش‌شناختی متناسب با این تحقیق طبقه‌بندی شده‌اند.

در مطالعات تجسمی شراره افتخاری یکتا و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم جایگاه بدن ناصرالدین‌شاه در تالار آئینه کمال‌الملک بر مبنای نظریه یوری لوتمان»، جایگاه بدن ناصرالدین‌شاه در تالار آئینه کمال‌الملک را با تأکید بر تقابل میان فرهنگ و نه-فرهنگ مطالعه کرده و بایک استنباط روش‌شناختی با تمرکز بر مفهوم آشوب، ویژگی‌های بدن ناصرالدین‌شاه و تأثیرات فرهنگی سپهر‌نشانه‌ای این دوره بر بازنمایی بدن وی را تبیین کرده‌اند. همچنین شراره افتخاری یکتا و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل گفتمانی نحوه قرارگیری بدن فتحعلشاه و بدن ناصرالدین‌شاه در سپهر نشانه‌ای قاجار» بررسی تقابل دو گانه فرهنگ و نه-فرهنگ در سپهر نشانه‌ای قاجار با استفاده از مفهوم «تن-نشانه» در رویکرد نشانه‌شناسی لوتمان نحوه نمایش بدن هر دو پادشاه به مثابه «تن خود درون فرهنگ» در مواجهه با «تن دیگری درون نه-فرهنگ» را به مثابه نظم و آشوب تبیین کرده‌اند. آذین حقایق و مهناز شایسته‌فر (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تقابل «خود» و «دیگری» در دوندگاره از

دو گانه نظم/آشوب (خائوس/کاسموس) یکی از مفاهیم بنیادین نشانه‌شناسی فرهنگی و همچنین یکی از ساحت‌های متضاد کهنی است که در اندیشه بشر به کار رفته است. پیشینه به کارگیری این مفهوم دو گانه به باور یونانیان بر می‌گردد که بی‌نظمی/خائوس را خدایان به نظم/کاسموس مبدل کرده‌اند. افلاطون این نظم را به دمیورژا نسبت داد که با نظر به عالم مثال اقدام به نظم بخشی به ماده بی‌نظم و آشفته می‌کند^۲ (کاپلستون، ۱۳۸۰/۱۹۴۶، ۲۲۰) و بعدها نظم به مثابه یکی از مهم‌ترین ارکان براهین کلاسیک برای اثبات مفاهیم گوناگون به کار رفته است؛ اما مفهوم نظم در نظریه نشانه‌شناسی فرهنگی برای تبیین ویژگی‌های تثبیت شده فرهنگ به مثابه حافظه جمعی و آگاهی برآمده از آن به کار می‌رود. هنگام پیدایش آشوب (چه از طریق حضور عناصر بیرونی و چه از طریق پیدایش رمبش در درون سیستم) سیستم دچار گسستگی می‌شود و این وضعیت با ارجاع به حافظه تاریخی و هنجارهای سیستم به مثابه نظم و ساختار ممکن است برطرف شود و بدین ترتیب داده‌های نوین در سیستم پذیرفته، فهم پذیر و تثبیت شده و موجب حیات نوینی در هویت فرهنگی می‌شوند. با پیدایش مطبوعات و روزنامه‌ها به عنوان یک عنصر برآمده از تعاملات بینا فرهنگی در «سپهر نشانه‌ای» ایران عصر قاجار، فصل نوینی از حیات فرهنگی ایران آغاز شد و این حضور نیروهای ناآشنا به مثابه آشوب در سپهر فرهنگی ایران پدیدار شد. بدین ترتیب ویژگی‌های بصری روزنامه‌های این عصر به مثابه یک فضای نشانه‌ای متأثر از آشوب، مبین تلاش برای دست‌یافتن به زبان بصری است که در یک استمرار تاریخی سامان یافت. فرهنگ بصری ایران در اولین مواجهه با نیروهای بیرونی توانست نظم درونی خود را به طور نسبی به عناصر وارداتی القا کند. تثبیت چاپ سنگی و انتشار نخستین روزنامه‌های فارسی چون روزنامه وقایع اتفاقیه، روزنامه وقایع، روزنامه دولت علیه ایران و سایر روزنامه‌های دولتی در دو دهه نخست حکومت ناصرالدین‌شاه، دستاورد مهم این فرآیند است؛ اما تغییرات مهم سیاسی و اجتماعی ادوار بعدی حکومت ناصرالدین‌شاه، انتشار روزنامه‌ها را دستخوش تحولات مهم دیگری کرد. بدین ترتیب انتشار روزنامه‌های دولتی مجدداً با چالش‌ها و «آشوب» جدیدی مواجه شد و تلاش مضاعفی برای ایجاد سامان‌یافتگی بیشتر بر نظم نسبی پیشین آغاز شد. این پژوهش بر آن است به این مسئله بپردازد که انتشار روزنامه ایران در این دوره چگونه به مثابه استمرار «نظم» در «آشوب» پدید آمد و این فرآیند چگونه در ویژگی‌های بصری آن انعکاس یافت. هدف اصلی این پژوهش تبیین چگونگی استمرار و تحقق نظم در آشوب مطبوعات در سپهر نشانه‌ای ایران عصر ناصری است. برای درک بهتر مفاهیم پیش از تحلیل نمونه‌ها، به تعریفی کلی از نشانه‌شناسی فرهنگی اشاره خواهد شد و سپس با تبیین مفهوم خائوس/کاسموس در نشانه‌شناسی فرهنگی، وجوه گوناگون این مفهوم و نسبت آن با مفهوم آنتروپی تشریح خواهد شد و در مرحله بعدی ویژگی‌های بصری روزنامه ایران تا پایان دوره ناصری تحلیل و بررسی شود.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر هدف توسعه‌ای و از نظر نوع کیفی است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه توصیفی تحلیلی و با رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان با تمرکز بر دو مفهوم «نظم/کاسموس» و «آشوب/خائوس» صورت پذیرفته است. شیوه گردآوری اطلاعات بر پایه

شاهنامه شاه تهماسب و شاهنامه شاه اسماعیل دوم، تحلیلی بر مبنای الگوی نشانه‌شناسی فرهنگی» با در نظر گرفتن برخی از عناصر تصویری یکی از نگاره‌های شاهنامه شاه تهماسب به‌مثابه آشوب/دیگری درصدد تبیین نحوه مواجهه فرهنگی میان دو سپهرنشانه‌ای ایران عصر صفوی و عثمانی و کارکردهای ایدئولوژیک این نگاره بوده‌اند.

سوی دیگر، پژوهش‌های منتخبی است که با روش‌های دیگر به تحلیل نشریات دوره قاجار پرداخته‌اند. نفیسه اثنی‌عشر (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «گذری بر بازتاب‌های اجتماعی تصویر ناصرالدین‌شاه در مطبوعات مصور درباری (مورد مطالعاتی تصویر ناصرالدین شاه در شماره ۱ روزنامه شرف)» بر مطالعه تصویر ناصرالدین‌شاه در روزنامه مذکور متمرکز شده و به ارتباط میان آثار هنری و ساختار سیاسی و اجتماعی این دوره تأکید دارد. الهه پنجه‌باشی و ابوالقاسم دادور (۱۳۹۲) نیز در مقاله «مطالعه تطبیقی سرلوحه شماره‌های نخست روزنامه‌های وقایع اتفاقیه و دولت علیه ایران» با تأکید بر اهمیت دو روزنامه وقایع اتفاقیه و دولت علیه ایران، به واکاوی و تبیین ویژگی‌های بصری سرلوحه این دو روزنامه پرداخته‌اند. محمد مهدی فرقانی و مهدیه حمزه‌ئی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب مؤلفه‌های فرهنگ مدرن در مطبوعات عصر قاجار (بررسی روزنامه وقایع اتفاقیه و اختر)» با تمرکز بر دو تحلیل این دو روزنامه مهم دوره ناصری، به تفاوت معنادار در ویژگی‌های محتوایی، بصری و فرهنگی این دو نشریه اشاره کرده‌اند. عفت السادات افضل طوسی و الهام محمدخانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های بصری روزنامه‌های دوره قاجار در گذار از چاپ سنگی به چاپ سربی» در پی یافتن تأثیرات تکنولوژی چاپ بر گرافیک روزنامه‌ها بوده و در این راستا ویژگی‌های بصری برخی از روزنامه‌های شاخص دوره قاجار را مطالعه کرده و معتقداند که تکنیک چاپ سربی امکانات متنوع‌تری را از نظر گرافیک برای نشریات فراهم کرده است. علاوه بر موارد فوق، کتاب‌های: محمد صدر هاشمی (۱۳۶۳) با عنوان تاریخ جراید و مجلات ایران، سید محمد محیط طباطبایی (۱۳۶۶) با عنوان «تاریخ تحلیلی مطبوعات» و فرید قاسمی (۱۳۸۰) با عنوان «سرگذشت مطبوعات ایران، روزگار محمدشاه و ناصرالدین‌شاه» در شناسایی ویژگی‌های تاریخی مطبوعات ایرانی منابع مهمی هستند که در تدوین این پژوهش به آن‌ها استناد شده است.

وجه تمایز این پژوهش تمرکز بر ویژگی‌های بصری روزنامه ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های عصر قاجار است که کمتر بدان پرداخته شده و همچنین ارائه تحلیلی نشانه‌شناختی از ویژگی‌های بصری این روزنامه بر اساس مفهوم نظم/کاسموس و آشوب/خائوس است که بیشتر در مطالعات هنرهای تجسمی به آن توجه نشده است. نوآوری این نوشتار علاوه بر تمرکز بر مطبوعات دوره ناصری به عنوان بخش کمتر مطالعه شده آثار دوره قاجار، در بعد روش‌شناختی آن است که از منظری نو به تحلیل ویژگی‌های بصری مطبوعات قاجار نگریسته است.

مبانی نظری پژوهش

نشانه‌شناسی فرهنگی^۲

لوتمان^۴ در جای جای آثارش از تقابل میان نظم^۵ و آشوب^۶ سخن گفته است. او در کتاب جهان ذهن (Lotman, 1990, pp. 140, 178, 180) به نسبت میان «خائوس» و «کاسموس» در سپهرنشانه‌ای^۷ اشاره کرده و نقش

خودآگاهی و خودانگیختگی را در نسبت با سامان‌یافتگی مفاهیم تشریح کرده است. همچنین در کتاب ساختار اثر هنری (Lotman, 1977, pp. 27-29) به تبیین نظریات خود درباره نقد ادبی پرداخته و در خلال آن به نسبت میان دو مفهوم «نظم» و «آنتروپی» اشاره کرده است. او در این کتاب نشان داده که چگونه متن هنری در اثر افزایش آنتروپی^۸ از زبان متمایز می‌شود و سرانجام توسط هنر به مثابه نظام نظام‌ها مجدداً سازمان‌دهی می‌شود. لوتمان در کتاب فرهنگ و انفجار (۱۳۹۷/۱۹۹۲) که آخرین نوشته اوست به بررسی ابعاد گوناگون امر «پیش‌بینی‌ناپذیری» و افزایش آنتروپی پرداخته و نسبت میان نظم و مفهوم «تدریجی‌شدگی» را در این کتاب تشریح کرده است. همچنین در مقاله‌ای با بوریس اوسپنسکی (لوتمان و اوسپنسکی، ۱۳۹۶/۱۹۷۸) ساز و کار کلی فرهنگ به‌مثابه یک الگوی دوگانه تقابلی را تشریح می‌کند.

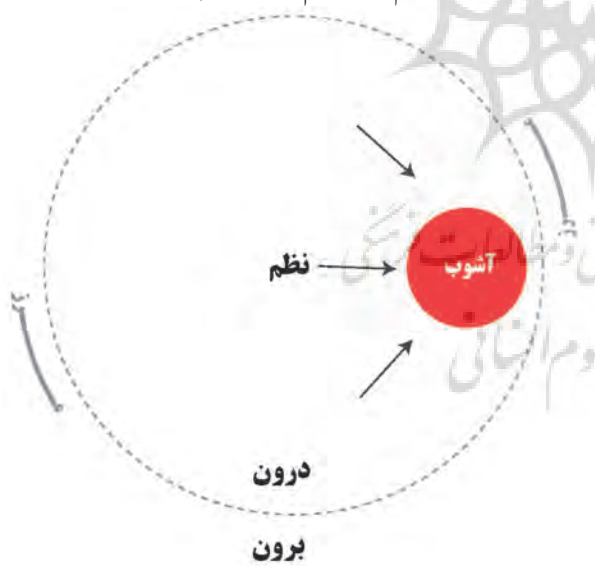
این توجه به الگوی دوگانه تقابلی در کنار توجه لوتمان به مطالعه فرهنگ‌ها به‌مثابه نظام‌های نشانه‌ای معنادار می‌شود. یوری لوتمان در دوره اولیه آثارش به یک ساز و کار سیستمی و ساختارمند معتقد بود. او از فرهنگی سخن می‌گوید که عبارت است از «اطلاعات غیر وراثتی و ابزاری به منظور سازماندهی و گفتگو»^۹ (لاروسو، ۱۳۹۸/۲۰۱۵، ۷۳-۷۲) به اعتقاد لوتمان فرهنگ^{۱۰} ساخته انسان است و در تقابل با آن چیزی که طبیعی یا خودانگیخته قلمداد می‌شود قرار می‌گیرد (لوتمان و اوسپنسکی، ۱۳۹۶/۱۹۷۸، ۴۲). لذا وظیفه اصلی نشانه‌شناسی فرهنگی از نظر لوتمان سازمان‌دهی جهان پیرامون انسان به شکلی ساختاری است (لاروسو، ۱۳۹۸/۲۰۱۵، ۷۵). هسته اصلی نظریه نشانه‌شناسی لوتمان را مفهوم «سپهرنشانه‌ای» تشکیل می‌دهد که در آن تلقی‌های دوگانه‌ای چون حاشیه^{۱۱} و مرکز^{۱۲}، خود^{۱۳} و دیگری^{۱۴}، نظم و آشوب و غیره در بافتاری گره‌خورده از زبان، متن و فرهنگ معنادار می‌شوند. این فضای انتزاعی به‌مثابه خودآگاهی جمعی در فرهنگ معین در برابر فرهنگ‌های دیگر معنادار می‌شود. بدین ترتیب نظم در درون سپهرنشانه‌ای در برابر آشوبی قرار می‌گیرد که ناشی از تقابل فرهنگ با نه-فرهنگ^{۱۵} است. به بیان دیگر آشوب برآمده از نه-فرهنگ، در مقابل آن عناصری قرار می‌گیرند که هر فرهنگ در درون خود سازماندهی کرده و شناخت و آگاهی بر اساس آن‌ها ممکن می‌شود (Andrews, 2015, p. 20). لذا در این مواجهه دیالکتیکی^{۱۶}، آنچه در درون سیستم وجود دارد، خود، آشنا، نظم فرهنگ و هویت و هرآنچه بیرون از فرهنگ وجود دارد، آشوب، دیگری، ناآشنا و نه-فرهنگ قلمداد می‌شود. از آنجایی که سیستم در نظر لوتمان یک موجودیت بسته نیست مواجهه با دیگری برای حیات فرهنگی الزامی بوده و رشد درونی یک فرهنگ بدون جریان مداوم از بیرون امکان‌پذیر نیست. «توسعه فرهنگ ... عملی مبادله‌ای است که دائماً وجود دیگری را مطالبه می‌کند؛ و با این تصویر از دیگری، آگاهی خودآزمایشی جهان را به گونه‌ای متفاوت رمزگذاری می‌کند» (Tamm, 2019, p. 76).

مرکز، حاشیه، نزدیک، دور

در نشانه‌شناسی فرهنگی عناصر درون سیستم دارای موقعیت‌هایی هستند که در نسبت با مرز فرهنگی و به میزان نزدیکی و دوری از آن، در یک سپهرنشانه‌ای، یعنی در نسبت با استمرار تاریخی سنت‌های پیشین و شناخته‌شده فرهنگی موجود در سیستم تبیین می‌شوند؛ بنابراین دو مفهوم «مرکز» و «حاشیه» در نسبت با این مرز معنادار می‌شوند. «مرکز» محل

اندیشه فیلسوفان روسی در اوایل سده بیستم میلادی و ناظر بر تقابل میان دو جوهره متضاد برآمده از طبیعت و فرهنگ است^{۲۴} (پاکتنچی، ۱۳۸۳، ۱۸۹). به‌طور کلی آشوب در سیستم در دو وضعیت درونی و بیرونی پدید می‌آید و در هر دو وضعیت، آشوب/خائوس از یک فرآیند ارتباطی پدید آمده و ناشی از عدم امکان نیل به معرفت و درک صحیح نسبت به معناهاست و نظم نیز همانا نظم ظاهری نیست بلکه حاصل پیدایش معرفت و آگاهی نسبت به معناها و پذیرش و تثبیت عناصر آشوبناک بوسیله سیستم است. نظم/کاسموس متضمن پایداری و ثبات سیستم، فهم مستمر گزاره‌ها و داده‌ها و انتقال اطلاعات و آشوب/خائوس موجب اختلال در پایداری سیستم، عدم درک و انتقال داده‌ها، آنتروپی و تحقق پیش‌بینی‌ناپذیری در سیستم می‌شود. افزایش آنتروپیک سیستم در واقع مبین وضعیتی است که سیستم بایستی برای خلق ایده‌ها و راهکارهای نوین تلاش کند تا مفاهیم نو و غیرقابل‌فهم را فهم پذیر کند. لوتمان در آثار متأخر خود با گذار از ساختارگرایی محض به یک رویکرد پسا‌ساختارگرا نزدیک شد که در آن، با طرح مفهوم پیش‌بینی‌ناپذیری و انفجار فرهنگی، تحول و نوآوری‌های سیستم را تبیین می‌کرد (Noth, 2015, p. 13). بدین ترتیب هر فرهنگ مولد «نظم» است و اگر در مواجهه با «آشوب» قرار گیرد باید بتواند آن را در فرآیندی به نظم تبدیل کند. این یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگ است که در ساختار هنجارهای بنیادین «خود» که در «مرکز» مستقر است، نظم یافته‌ترین متن را استقرار می‌دهد و در مواجهه با امر بیرونی نیز در صورتی که آن را بپذیرد، نظم درونی خود را به آن القا می‌کند.^{۲۵}

نمودار ۲. نحوه مواجهه نظم درون سیستم با آشوب در سپهر نشانه‌ای

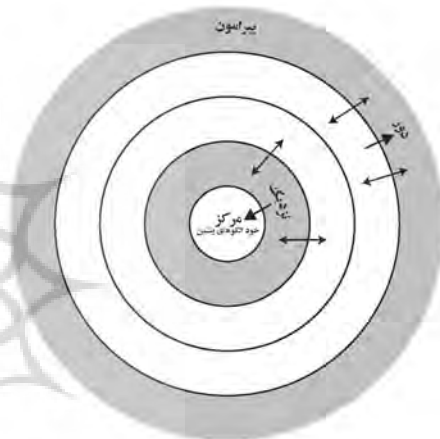


غلبه نظم/غلبه آشوب/آمیختگی

حال اگر عناصر درونی سیستم بتواند بر نیروهایی فائق آید که مولد وضعیت «آشوب» اند و آشوبناک^{۲۶} نامیده می‌شوند و این عنصر در موقعیتی در درون سپهر نشانه‌ای تثبیت شود آنگاه فرآیند غلبه «نظم/کاسموس» شکل گرفته و عنصر به سامان^{۲۷} و وضعیت سامان‌یافتگی^{۲۸} پدید می‌آید (نمودار ۲). این وضعیت معمولاً رویکردی گذشته‌نگر است یعنی سیستم برای خلق وضعیت سامان‌یافتگی به القا خود-الگوهای فرهنگی^{۲۹} و پیشینی متوسل

قرارگیری تثبیت‌یافته‌ترین (مشروع‌ترین) ساختارها و متون است و در مقابل، «حاشیه»، به نظر غیرساختمند و بی‌فائده و نامنظم است (سمنکو، ۲۰۱۲/۱۳۹۶، ۵۵). در حاشیه یا پیرامون سیستم، متون دینامیک‌تری قرار دارند که امکان تنوع و تخطی از عرف‌های مستقر در مرکز را دارند و با قیاس نسبت به مرکز، خنثی‌تر هستند از اینرو مرکز یک موقعیت ایستا^{۳۰} و دارای «نظم» و پیرامون یک موقعیت پویا^{۳۱} و دارای «آشوب» قلمداد می‌شود (نمودار ۱). هر فرهنگ در یک فرآیند پویا و مستمر برای سمانتیزه کردن مفاهیم نو تلاش می‌کند تا در فرآیند «جذب»، این مفاهیم را به «مرکز» نزدیک کند تا آن را به نظم ساختاری سیستم نزدیک کرده و عنصر «خود» را پدید آورد و در مقابل در صورت عدم‌پذیرش این رمزگان‌ها آن‌ها را «طرده» کند. بدین ترتیب عناصر «دور» دارای آنتروپی بیشتر و عناصر «نزدیک» سامان یافته‌تر و فهم‌پذیرتر و دارای آنتروپی کمتری هستند.

نمودار ۱. الگوی قرارگیری عناصر بر اساس موقعیت دور و نزدیک نسبت به مرکز فرهنگی



خائوس/کاسموس/آنتروپی

سایرنتیک^{۳۲} به مثابه یک پارادایم فلسفی و روش‌شناختی بر نشانه‌شناسان مکتب تارتو بسیار تأثیر گذاشت.^{۳۳} در واقع نشانه‌شناسی فرهنگی با اتکا به این روش در صدد ارائه یک راهکار و رویکرد علم‌گرای اثبات‌پذیر است که سطوح گوناگون تحلیل‌ها و نتایج را جست‌وجو می‌کند (Kellbert, 2021, p. 56). لوتمان در کتاب ساختار اثر هنری با اشاره به چگونگی عملکرد نظم و آشوب در متن و با اشاره به نظریه کولمگروف^{۳۴} معتقد است آنتروپی زبان (H) با دو کمیت در ارتباط است؛ یکی ظرفیت معنایی زبان (h1) و دیگری ظرفیت انعطاف‌پذیری زبان برای انتقال اطلاعات (h2). این ظرفیت انتقال معنا و تولید اطلاعات نو (h2) منبع اطلاعات شاعرانه است (Lotman, 1977, p. 27). همچنین وضعیت آنتروپی در سیستم، معمولاً ناشی از حضور عناصر غیرقابل‌پیش‌بینی وارداتی برآمده از «دیگری» است که در اثر تبادل اطلاعات در سیستم حضور یافته‌اند و سیستم تلاش می‌کند تا آن‌ها را قابل‌پیش‌بینی و فهم‌پذیر کند.^{۳۵} لذا افزایش آنتروپی اطلاعات با افزایش میزان پیش‌بینی‌ناپذیری متن‌ها موجب به تأخیر افتادن معنا شده و کارکردهای ارتباطی را مختل می‌کند اما می‌تواند موجب تولید معنای نو شود (Lotman, 1977, p. 27). دو گانه خائوس/کاسموس نیز با الهام از الگوی طبیعت-فراطبیعت از

یافته‌های پژوهش

نظم و آشوب در ادوار اولیه مطبوعات دوره ناصری

اولین روزنامه فارسی داخل کشور در دوره محمدشاه قاجار (۱۲۲۲-۱۲۶۴ ه.ق، ۱۱۸۶-۱۲۲۷ ه.ش) به نام کاغذ اخبار منتشر شد اما توسعه و تثبیت روزنامه‌ها در سپهر نشانه‌های ایران در دوره حکومت ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق، ۱۲۲۷-۱۲۷۵ ه.ش) محقق شد.^{۳۲} در یک نگاه کلی تحولات انتشار مطبوعات از آغاز تا تثبیت وضعیت روزنامه‌ها در دوره ناصری را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد (نمودار ۴).^{۳۳}

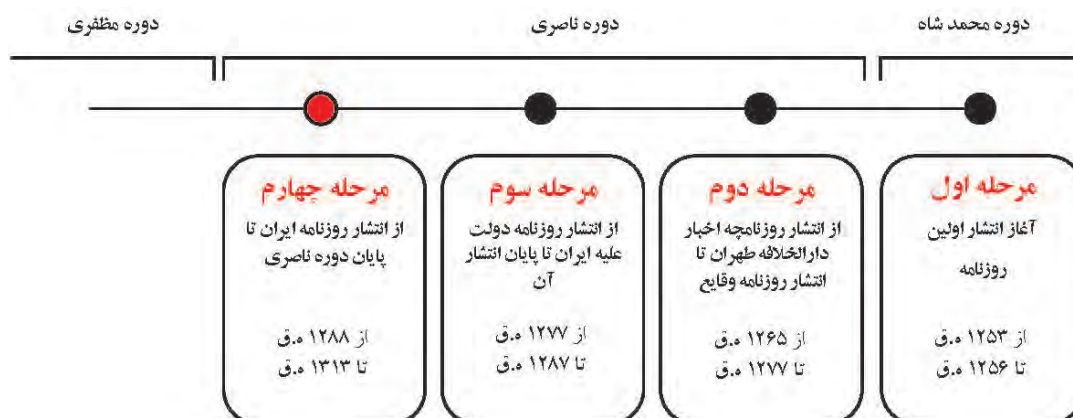
این تقسیم براساس تحولاتی است که نشریات در سپهر نشانه‌های این دوره پدید آورده‌اند. پیش از انتشار نخستین روزنامه‌ها، با ورود صنعت چاپ، در سپهر فرهنگی دوره قاجار وضعیت آتروپیک و آشوبناک پدیدار شده بود. این رویداد در ادامه مواجهه ایرانیان با اندیشه‌های مدرن اروپایی در دوره فتحعلیشاه و محمدشاه به مثابه تبادل بینا فرهنگی، در سپهر نشانه‌های ایران پدید آمد. وضعیت پدیدآمده ناشی از عدم آگاهی نسبت به حضور مولفه‌هایی بود که سیستم برای آن پاسخی نداشت. از سویی نیاز مبرم به توسعه فناوری‌های نوین، ضرورت استفاده از این رسانه‌ها و دستاوردهای فرهنگی را ایجاب می‌نمود و از سوی دیگر امکانات و توانایی استفاده و همچنین زیر ساخت‌های فکری و فنی این امر موجود نبود. غلبه بر این این وضعیت «آشوب» نیازمند فرآیندی تاریخی بود تا سیستم بتواند آن را بپذیرد و پاسخی مناسب را به مثابه «نظم» به آن القا کرده و آتروپیی آنرا کاهش دهد. سیستم در این دوره با «جذب» چاپ سنگی و «طرد» چاپ حروفی، ویژگی‌های فرهنگی خود را به شکل قابل توجهی به عنصر وارداتی القا کرد و چاپ سنگی و ویژگی‌های ایرانی برآمده از تلفیق آن با خود-الگوهای فرهنگی درونی سپهر نشانه‌های ایران عصر قاجار به عنوان عنصر «نزدیک» و یک الگو در حافظه سیستم تثبیت شد. در واقع «طرد» چاپ حروفی در این مقطع زمانی و توسعه و تثبیت چاپ سنگی، پاسخ «خود-الگو» ی «نظم» برآمده از عناصر پیشین مستقر در مرکز به مثابه هنجارهای فرهنگی به وضعیت «آشوب» چاپ بود و در این فرآیند «خائوس» با اتکا به هویت پیشین فرهنگی به «کاسموس» تبدیل شد؛ اما در ادوار بعدی مجدداً آشوب به شکلی دیگر پدیدار شد. این آشوب ناشی از عدم درک نسبت به وضعیت تولید و نشر روزنامه و همچنین رابطه میان مخاطبین با این رسانه نوین بود که موجب افزایش آتروپیی در این دوره شد (نمودار ۵).

می‌شود که ساختارمندترین عناصر و مستقر در مرکز هستند.^{۳۰} لوتمان معتقد است دیرپایی رمزگان [در سیستم] از طریق عملکرد اصول بنیادین ساختاری و همچنین پویایی درونی آن [سیستم] و تغییرپذیری آن در حالی که هم‌چنان حافظه پیشین را حفظ کرده است و در نتیجه آگاهی از خود ممکن می‌شود (لوتمان و اوسپنسکی، ۱۳۹۶/۱۹۷۸، ۴۹). «و هر فرهنگ الگوی خود را از ... تداوم حافظه‌اش می‌سازد» (لوتمان و اوسپنسکی، ۱۳۹۶/۱۹۷۸، ۴۷). بدین ترتیب تمایز اصلی فرهنگ و نه- فرهنگ و همچنین تمایز میان خائوس و کاسموس در سازمان‌یافتگی و یا عدم سازمان‌یافتگی آن‌ها پدیدار می‌شود (لوتمان و اوسپنسکی، ۱۳۹۶/۱۹۷۸، ۵۹). تثبیت این عناصر اما ممکن است در موقعیت «نزدیک» و یا «دور» در نسبت با مرکز شکل بگیرد که بسته به میزان حضور «خود-الگوها» ی فرهنگی موثر بر عنصر مذکور متغیر خواهد بود. حال ممکن است نیروی آشوب بر حافظه سیستم غالب شود و وضعیت سیستم را تغییر دهد در این حالت می‌تواند فرآیند «فراموشی» آغاز شود که مبین یک تغییر به سوی «دیگری» است (لوتمان و اوسپنسکی، ۱۳۹۶/۱۹۷۸، ۴۸)؛ یعنی الگوهای سیستم نتوانسته‌اند پاسخ مناسبی برای نیروهای «آشوبناک» بیابند و یا سیستم در صدد «طرد» برآمده است و به تدریج ممکن است ساختارهای وارداتی بر عناصر درونی سیستم غلبه کنند.^{۳۱} وضعیتی دیگری نیز ممکن است خلق شود که در آن ترکیبی از عناصر «آشوبناک» و «به‌سامان» به مثابه عناصر «آمیخته» پدید آیند که نشانگر یک وضعیت بینابین و ترکیبی است و معمولاً توسعه فرهنگی و فهم عناصر نو را ممکن می‌سازد. این وضعیت را لوتمان آمیختگی^{۳۲} می‌نامد که بسته به میزان شباهت به عناصر فرهنگ و یا عناصر وارداتی می‌تواند مفهوم آمیخته دور و آمیخته نزدیک را معنادار کند (نمودار ۳).^{۳۳}

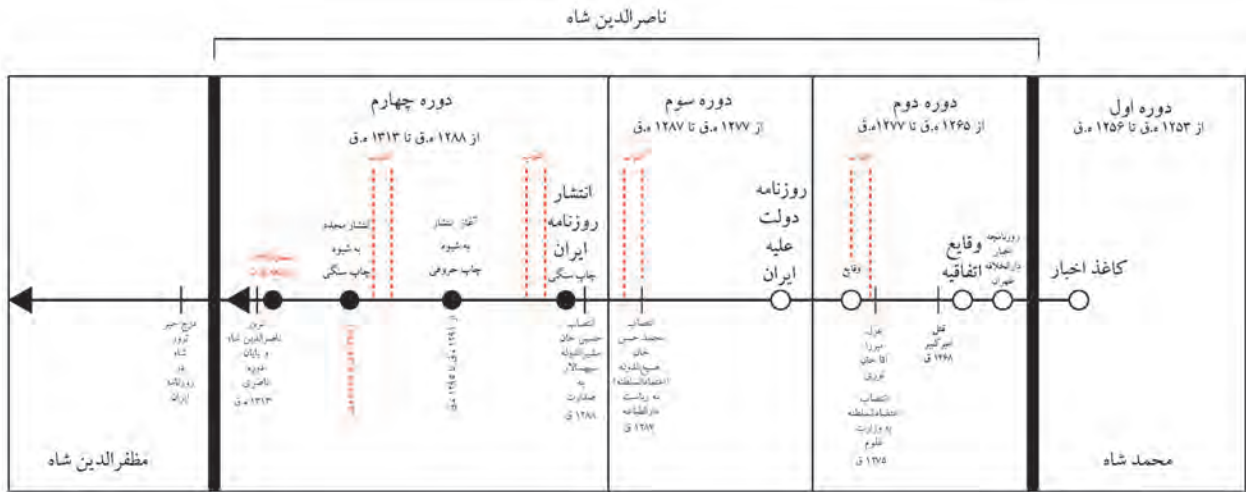
نمودار ۳. موقعیت‌های چهارگانه غلبه نظم و آشوب



نمودار ۴. ادوار چهارگانه انتشار روزنامه‌های فارسی تا پایان دوره ناصری (یافته‌های پژوهش؛ به نقل از قاسمی، ۱۳۸۰، ۳۲)



نمودار ۵. وضعیت آشوب در ادوار چهارگانه انتشار روزنامه‌ها تا پایان دوره ناصری



تصویر ۲. آشوب و نابسامانی در سرلوحه روزنامه وقایع اتفاقیه شماره ۴۵۰ به تاریخ ۲۹ ربیع‌الاول ۱۲۷۶ هـ.ق (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۴، ۲۹۶۵)



تصویر ۳. صفحه اول شماره ۵۸۱ روزنامه دولت علیه ایران به تاریخ ۲۳ محرم ۱۲۸۳ هـ.ق (SANA platform, 2025a)



به عنوان نمونه در ادوار پایانی انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه، عناصر تصویری سرلوحه این روزنامه نابسامان و از ریخت افتاده‌اند که لزوم بازنگری در انتشار این روزنامه را آشکار می‌کند (تصاویر ۱-۲). این وضعیت منجر به انتشار روزنامه دولت علیه ایران و آغاز دوره بعدی حیات روزنامه‌های عصر ناصری شد. در این دوره نیازهای درونی سیستم ایجاب می‌کرد که عناوین دیگری از روزنامه‌ها منتشر شود لذا پس از روزنامه دولت علیه ایران روزنامه‌های دولتی دیگری منتشر شد؛ اما در ادوار پایانی انتشار روزنامه دولت علیه ایران و سایر نشریات این دوره نیز وضعیت آشوبناک به اشکال دیگر پدید آمد که سرانجام موجب تعطیلی آن‌ها و انتشار روزنامه ایران شد (تصاویر ۳-۴).

تصویر ۱. صفحه اول و سرلوحه روزنامه وقایع اتفاقیه شماره ۴۵۰ به تاریخ ۲۹ ربیع‌الاول ۱۲۷۶ هـ.ق (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۴، ۲۹۶۵)



تصویر ۵. صفحه اول شماره نخست روزنامه ایران به تاریخ یکشنبه ۱۱ محرم ۱۲۸۸ ه‍.ق (روزنامه ایران، ۱۳۷۴، ۱۷)



تصویر ۶. دو تصویر در مقاله مسائل علمیه، صفحه چهارم از شماره ۷ روزنامه ایران (روزنامه ایران، ۱۳۷۴، ۲۸)



تصویر ۴. آشوب و نابسامانی در سرلوحه روزنامه دولت علیه ایران، شماره ۵۸۱ روزنامه دولت علیه ایران به تاریخ ۲۳ محرم ۱۲۸۳ ه‍.ق (SANA platform, 2025a)



روزنامه ایران

دوره اول: چاپ سنگی از شماره ۱ تا ۲۱۶ (از ۱۱ محرم ۱۲۸۸ ه‍.ق تا ۷ ربیع‌الاول ۱۲۹۱ ه‍.ق)

در سال ۱۲۸۷ ه‍.ق ناصرالدین شاه تصمیم گرفت تا روزنامه‌های متعدد خود را تبدیل به یک روزنامه کند اما به جای هفته‌ای یک شماره، سه شماره در هفته انتشار یابد. مامور انجام این کار محمد حسن خان اعتماد السلطنه بود که علاوه بر مدیریت نشریات کشور، یکی از مهم‌ترین روزنامه‌نگاران دوره قاجار محسوب می‌شود. بدین ترتیب اولین شماره این روزنامه در تاریخ یکشنبه ۱۱ محرم ۱۲۸۸ ه‍.ق منتشر شد و شماره ۸۸۰ آن [که آخرین شماره آن در دوره ناصری است] در تاریخ دوشنبه ۶ ذی‌قعدة ۱۳۱۳ ه‍.ق انتشار یافته است^{۲۶} (قاسمی، ۱۳۸۰، ۱۳۷۳). نکته حائز اهمیت آن است که روزنامه ایران علاوه بر ویژگی‌های بصری خاص، در یک دوره به صورت چاپ حرفی منتشر و سپس به شیوه چاپ سنگی بازگشت که فصل نوینی در انتشار روزنامه‌ها و نشریات ایران را پدید آورد. در سال‌های انتشار این روزنامه نام افرادی که مسئول امور هنری این نشریه بوده‌اند شایان توجه است. از میرزا عباس نقاش و استاد باسمه‌خانه، مسیو آرشاک حروف‌چین، میرزا کوچک و میرزا سید ولی مرتب حروف، آقا سید محمد علی کاتب، میرزا ابوتراب غفاری نقاش مخصوص دارالطباعة که بعدها از او به عنوان نقاشی‌ی وزارت انطباعات و مدیر چرخ حروف یاد شده، همچنین نام آقا محمد ساعت‌ساز مرتب حروف، آقا سید احمد خوشنویس صدرالکتاب کاتب روزنامه، میرزا محمد صادق شمس‌الکتاب خوشنویس، میرزا موسی و میرزا اسدالله نقاش‌باشی و غیره در این روزنامه نام برده شده است^{۲۷} (قاسمی، ۱۳۸۰، ۴۸).

انتشار روزنامه ایران به مثابه یک «آشوب» ناشی از یک تحول ساختاری مهم است. بر اساس فرمان ناصرالدین شاه به اعتماد السلطنه که در شماره اول این روزنامه آمده، باید «عمل روزنامه‌جات... تحت قاعده منضبط گردد» (ایران، ۱۲۸۸ ه‍.ق، ش. ۱) که نشان از آگاهی به یک بی‌نظمی دارد. تقارن انتشار این روزنامه با صدارت حسین خان سپهسالار^{۲۸} یکی از جلوه‌های تغییرات مملوسی بود که در این عصر پدیدار شد.^{۲۹} بدین ترتیب با انتشار روزنامه ایران، تکرر عناوین و بی‌نظمی انتشار روزنامه‌های پیشین و تغییر نام‌های مکرر آن‌ها در ادوار قبلی پایان یافت و به جای آن، روزنامه

تصویر ۸. نمونه میان عنوان‌های روزنامه ایران به خط ثلث (روزنامه ایران، ۱۳۷۴)

بیتیه فیضیه تاج‌الاسلام ایران منت لسانی از منتهی السیما نوری

اعلانیه تاج‌الاسلام منت لسانی از منتهی السیما نوری

ایران با سیمایی متفاوت به عنوان روزنامه رسمی دولت منتشر شد (تصاویر ۵-۸).^{۴۰} بیشتر اشاره شد که آشفتگی ظاهری در وضعیت انتشار روزنامه‌ها یکی از نمودهای «آشوب» در این وضعیت است. این آشفتگی ظاهری هم ناشی از ویژگی‌های پرکار صفحه‌آرایی و عنوان‌های این روزنامه‌ها بود که زمان زیادی برای کتابت و ترکیب را ایجاب می‌کرد و هم به دلیل فقدان نیروی ماهر و متخصص تصویرگر و خوشنویس بود که انتشار این روزنامه را دشوار می‌کرد. این به معنی عدم تقارن در سیستم برای پاسخ به نیازها و وقوع «آشوب» است که تلاش سیستم برای برقراری «نظم» را ایجاب می‌کرد. در واقع سیستم در این مرحله با اصلاح برخی نواقص، قصد تثبیت مجدد وضعیت روزنامه‌ها داشت؛ اما انتشار روزنامه ایران به نوبه خود موجب برهم خوردن نظم نسبی انتشار روزنامه‌های این دوره شد. چون برای ارائه راه‌کارهای نوین بصری انتشار این نشریه نیاز به زمان بود؛ یعنی این تحول خود به مثابه آشوب برای ایجاد نظمی در یک آشوب دیگر پدید آمد. این تنیدگی تحولات سیستم، اصلی‌ترین رویکرد سپهر نشانه‌ای برای غلبه بر یک مولفه ناآشنای وارداتی را آشکار می‌کند که به آن تدریجی‌شدگی گفته می‌شود.^{۴۱}

تصویر ۹. سرلوحه‌های ۶ شماره اول روزنامه ایران نمودی از آشوب و کوشش برای غلبه بر آن در سیستم است (روزنامه ایران، ۱۳۷۴)



در انتشار روزنامه ایران اندازه سرلوحه متناسب با فضای صفحه شد. خط متن نسبت به روزنامه‌های پیشین تغییر چندانی نکرد اما ویژگی‌های عنوان‌ها و میان‌عنوان‌های آن بلاخص در نسبت با روزنامه دولت علیه ایران بسیار ساده‌تر شد و با کتابت به خط ثلث جایگزین شد که نشان از استمرار غلبه نظم متکی به خود-الگوهای خوشنویسی دارد. به نظر می‌رسد این تغییر هم برای سرعت بخشیدن به کتابت متن‌ها و هم برای انسجام بخشی و ایجاد فضای بیشتر برای متن صورت گرفته باشد. با گرایش ساختار صفحات به شیوه آرایش صفحات نشریات غربی، صفحه‌آرایی این نشریه به عنصر «آمیخته نزدیک» تبدیل می‌شود؛ یعنی نوشتار با اتکاء به خود-الگوهای مستقر در مرکز و آرایش صفحات با اتکاء به «دیگری» پدید آمده است. این نشریه به شکل تقریباً غیر مصور چاپ می‌شد. در مجموع تمام شماره‌های این نشریه ۱۱ تصویر در این روزنامه درج شده و به نظر می‌رسد که پس از مرگ صنایع‌الملک مسئله جایگزینی وی و مصورسازی روزنامه‌ها تا انتشار روزنامه شرف و پیش از ورود تکنولوژی گراورسازی،

تصویر ۷. عناصر نسبتاً پرکار تصویری سرلوحه و متن در شماره ۲۲ روزنامه ایران به تاریخ دهم ربیع‌الثانی ۱۳۸۸ هـ ق و شماره ۳۲ به تاریخ سوم جمادی‌الثانی ۱۳۸۸ هـ ق (روزنامه ایران، ۱۳۷۴، ۸۵، ۱۲۵)



۱۲۵

۱۲۵



۸۵

۸۵

تصویر ۱۲. ویژگی‌های پرکار تصویرگری و نوشتاری در یک صفحه از شماره ۵۱۰ روزنامه دولت علیه ایران، به تاریخ پنجشنبه غره رجب ۱۳۷۸ ه.ق (دولت علیه ایران، ۱۳۷۰، ۳۱۱)



تصویر ۱۳. شباهت به نشریات غربی و ساختار تثبیت یافته در روزنامه ایران، شماره ۸۷، به تاریخ ۱۰ صفر ۱۳۸۹ ه.ق (روزنامه ایران، ۱۳۷۴، ۳۴۵)



امری چالش برانگیز بوده است و با انتشار غیر مصور روزنامه ایران یکی از موانع انتشار سریع آن بر طرف شد.

تصویر ۱۰. لوگو و سرلوحه تثبیت یافته و به‌سامان روزنامه ایران نمونه یک کریول نزدیک که متکی به «خود» فرهنگی است اما برخی ویژگی‌های دیگری نیز در آن نمایان است. سرلوحه شماره ۸۷، به تاریخ ۱۰ صفر ۱۳۸۹ ه.ق (روزنامه ایران، ۱۳۷۴)

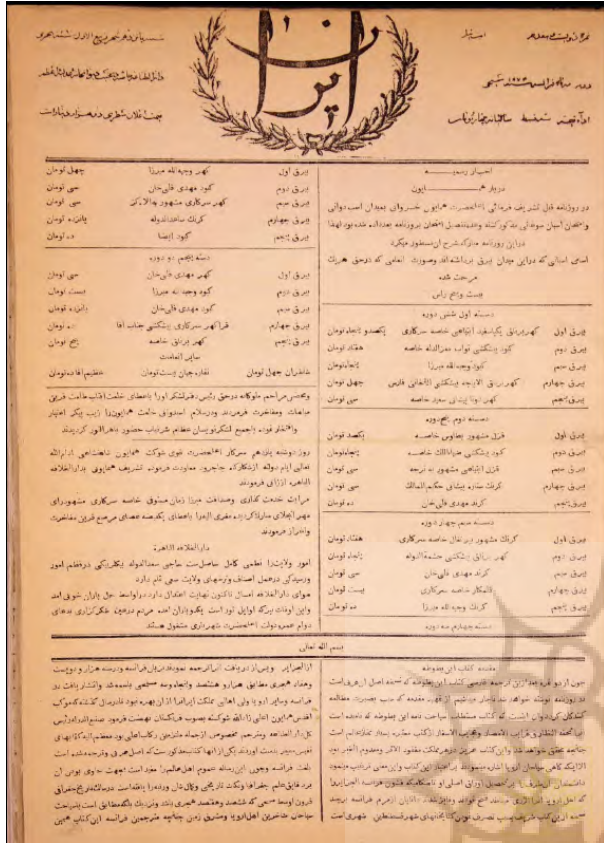


تصویر ۱۱. تصویر صفحه اول اولین شماره روزنامه دولت علیه ایران به تاریخ پنجشنبه نوزدهم صفر ۱۳۷۷ ه.ق به شماره ۴۷۲ در این روزنامه سرلوحه نیمه از فضای صفحه اول را اشغال کرده است (SANA platform, 2025b)

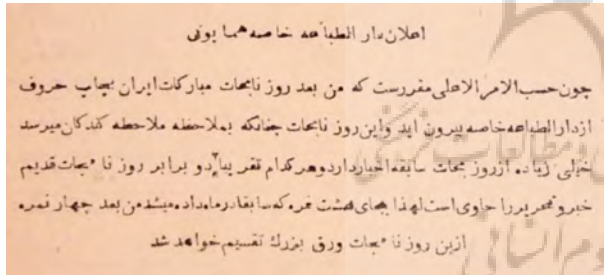


اما انتشار این روزنامه چالش‌های دیگری نیز در پی داشت که هریک فصل نوینی در حیات فرهنگی ایران را رقم خواهد زد. در ۴۴ شماره نخست روزنامه ایران ۲۵ بار سرلوحه آن تغییر کرد (تصویر ۹) و در شماره ۴۴ به یک ساختار نسبتاً ثابت دست یافت (تصویر ۱۰). هر چند هم‌چنان در شماره‌های آتی تغییرات جزئی در آن پدید می‌آمد اما ساختار کلی آن تثبیت یافت. فضای این سرلوحه تقریباً عاری از جزئیات پرکار تصویری بود و نشانه به کار رفته در این سرلوحه در واقع نخستین نشانه رسمی نشریات ایران است که در آن از طراحی حروف برای خلق عناصر نوشتاری در نشانه

تصویر ۱۵. صفحه اول از شماره ۲۱۷، نخستین شماره چاپ حروفی روزنامه ایران (SANA platform, 2025d)



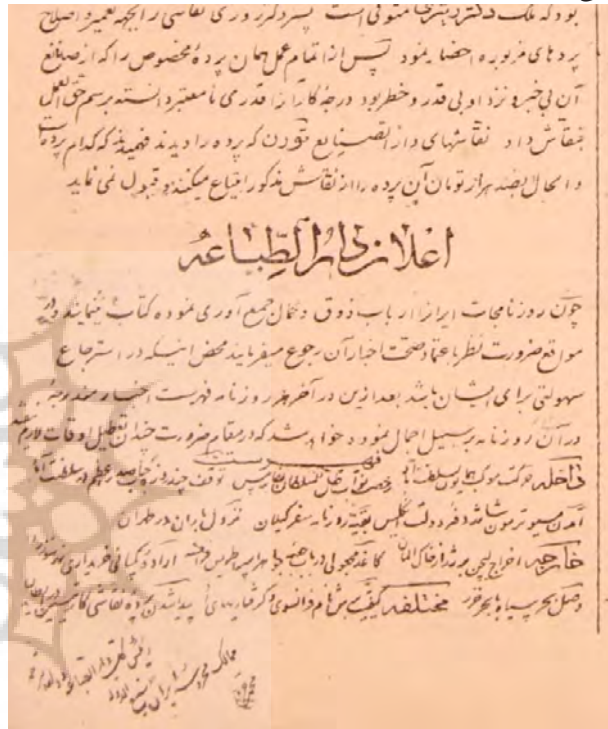
تصویر ۱۶. بخشی از متن شماره (SANA platform, 2025d)



روزنامه ایران بوسیله دستگاه چاپی که پیشتر توسط حسین خان سپهسالار در سال ۱۲۹۰ ه.ق از اروپا تهیه کرده بود چاپ می‌شد و پس از انتشار به شیوه چاپ حروفی ساختار بصری و شیوه روزنامه‌نگاری در آن نیز متحول شد و به سادگی گرایید (آدمیت، ۱۳۵۱، ۳۹۳) (تصاویر ۱۵-۱۶). پیرو پیدایش آشوب مطبوعات در ادوار اولیه، نوشتار فارسی با مشکلات و معضلات جدیدی مواجه شده بود. مواجهه با این مسائل لزوم درک و ارائه راه کارهایی را می‌طلبید که به تدریج موجب خروج برخی هنجارها و ورود مفاهیم جدید به سپهر نشانه‌ای ایران شد. این فرآیند، به مثابه یک توسعه فرهنگی تصویری، نوشتاری، در آغاز با اتکاء به خوشنویسی و امکانات آن قابل حل بود اما به تدریج با توسعه نشریات و همچنین آگاهی فعالان این عرصه و شخص شاه به لزوم بهره‌مندی از تکنولوژی‌های نوین آن عصر، تغییراتی در ساختار و شیوه انتشار و ویژگی‌های بصری روزنامه‌ها

استفاده شد.^{۴۲} این نشانه، هویتی آمیخته دارد و عناصر تزئینی پیرامون آن برگرفته از تزئینات وارداتی مشهور به فرنگی است؛ اما نوشتار ایران در این نشانه، متکی به خود-الگوهای پیشین خوشنویسی طراحی شده و با بروز ویژگی‌های غالب «خود» در این نشانه، می‌توان آن را به مثابه یک «کریول نزدیک» طبقه‌بندی کرد (تصویر ۱۰). همچنین نخستین فهرست روزنامه‌ها از شماره ۹۹ در روزنامه ایران منتشر شده است که در نوع خود رخدادی مهم در روزنامه‌نگاری ایران است (تصویر ۱۴) (قاسمی، ۱۳۸۰، ۱۳۸۵).

تصویر ۱۴. نخستین فهرست در روزنامه ایران، شماره ۹۹ به تاریخ بیست و چهارم ربیع‌الاول ۱۲۸۹ ه.ق (SANA platform, 2025c)



بدین ترتیب می‌توان فرآیند غلبه نظم ساختاری سیستم را در وضعیت روزنامه ایران به وضوح مشاهده کرد. در این فرآیند در برخی موارد تثبیت موقعیت عناصر در ساختار حافظه و در سپهر نشانه‌ای با اتکاء به عناصر «خود» و برآمده از حافظه سیستم است و در برخی موارد با اتکاء به عناصر آمیخته‌ای است که در تعامل با نیروهای بیرونی پدید آمده‌اند؛ اما در دوره بعدی اتکاء به عناصر وارداتی در انتشار این روزنامه بیشتر خواهد شد که حاکی از تمایل سیستم به جذب «دیگری» را نمایان می‌کند اما به تدریج و مجدداً با مقاومت سیستم مواجه شده است.

دوره دوم چاپ حروفی: از شماره ۲۱۷ تا ۳۶۲ (از ۱۵ ربیع‌الاول ۱۲۹۱ ه.ق تا ۱۲ شعبان ۱۲۹۵ ه.ق)

در روزنامه ایران در باره انتشار آن به شیوه حروفی آمده است؛ چون حسب الامر اعلی مقررست که من بعد روزنامه‌جات مبارکات ایران به چاپ حروف از دارالطباعة خاصه بیرون آید و این روزنامه‌جات... زیاده از... سابقه اخبار دارد... لذا با به جای هشت نمره که سابقاً در ماه داده می‌شد منعقد چهار نمره از این روزنامه‌جات... تقسیم خواهد شد. (قاسمی، ۱۳۸۰، ۱۳۷۹)

در ادوار انتشار این روزنامه تغییراتی نیز در شیوه انتشار آن پدید آمد. در شمارگان نخست، تمامی متن و میان عنوان‌ها با حروف سربی و به شیوه آرایش گذشته روزنامه صفحه‌آرایی می‌شد اما در شماره‌های پایانی آن تعداد ستون‌ها به سه و میان عنوان‌ها به تدریج با استفاده از خوشنویسی ثلث پدید آمد که حاکی از تغییراتی به سوی عناصر «خودی» و تثبیت وضعیت تعادل سیستم به سوی عناصر «آمیخته» اما در وضعیت «دور» دارد. (تصویر ۱۷).

دوره سوم چاپ مجدد سنگی: از شماره ۳۶۳ تا پایان دوره ناصری (از ۲۶ شعبان ۱۲۹۵ ه.ق تا ذیقعدة ۱۳۱۳ ه.ق)

انتشار روزنامه ایران از شماره ۳۶۳ تا پایان دوره ناصری مجدداً به شیوه چاپ سنگی است اما با تثبیت برخی ویژگی‌های دوره چاپ حرفی. به نظر می‌رسد که اصلی‌ترین دلیل این بازگشت به شیوه انتشار چاپ سنگی دلایل فنی این روش انتشار بود اما غلبه خود-الگوهای فرهنگی و بازگشت به عناصر مستقر در حافظه نیز نقش برجسته‌ای در این تغییر ایفا کرد.

در چاپ مجدد سنگی ویژگی‌های آرایش متن در سه ستون که در ادوار پایانی چاپ حرفی به کار رفته بود حفظ شده و فقط خط متن و میان عنوان‌ها به وسیله خوشنویسی تهیه شده که نشان از پایداری خود-الگوهای خوشنویسی در ساختار حافظه دارد لذا می‌توان چنین استنباط کرد که به‌سامان‌ترین الگوها در سپهر نشانه‌ای این دوره خوشنویسی است (تصویر ۱۸). در این دوره برای نگارش متن از خط نسخ بهره گرفته شده که بیشترین شباهت مورفولوژیک به تایپ را دارد و همچنین سرعت نگارش و امکانات کتابت آن بیش از خوشنویسی نستعلیق است. این تغییر نگارش به‌مناب یک سامان‌یافتگی در راستای فهم عملکرد روزنامه‌ها و همچنین تدوین شیوه‌های متناسب برای برطرف کردن نیاز سیستم از الگوهای آمیخته‌ای را نمایان می‌سازد که اصلی‌ترین ویژگی هنر در دوره قاجار است و به شکل بارزی در روند تثبیت زبان بصری روزنامه‌ها آشکار شده است.

تصویر ۱۹. بخشی از متن نمره ۳۷۶ در دوره انتشار مجدد به شیوه چاپ سنگی، شباهت متن به چاپ حرفی کاملاً مشهود است (SANA platform, 2025f)

موجب عبادت ناکر افخارج شهزاده خانم البس پلاید یاری
 دوشس دومناکس کرد و بلبست پشم ما - اور پل سینه هزلاد
 و مشتصد و چهل و سه مهبی تولد شد و دختر سیم
 اعطافرت و بگردن پادشاه انگلستان و امپراطر پشهند
 بود دوزد و از دهم ماه دسامبر در سن سی و پنج سالگی وفات
 نمود ابام ناخوشی شاهزاده خانم مزبور قلیل و معدود بود
 دوزده ماه و ژو پسنه هزار و هشتصد و شصت و دو مینانه این
 شاهزاده خانم در پرنس فردینکلوم لوی گران دودک دوحس
 عقد مزاجت و ازدواج منعقد کرد بد الحقی این زن از جمله
 زنانی بود که دارای انواع صفات حمید و محسنات عذب
 و هنرهای بسیار و کمالات زیاد و سزاوار هر گونه توصیف
 بوده و مدتها انکوس برای او خوانده خورد

را ایجاب می‌کرد. در دوره انتشار روزنامه ایران نیز در ابتدا مسئله نوشتار مورد توجه بود و لذا این روزنامه با ویژگی‌های بصری خلاصه‌تر از قبل و قابل تهیه در زمانی محدود و با بهره از خوشنویسی منتشر شد؛ اما علاوه بر دشواری‌های انتشار با استفاده از خوشنویسی در زمانی محدود، انتشار به شیوه چاپ سربی اقدامی در جهت نیل به سوی توسعه فرهنگی و در واقع کوششی برای پذیرش کامل هویت فرهنگی برآمده از «دیگری» به منزله غلبه «آشوب» بر خود-الگوهای فرهنگی در سپهر نشانه‌ای ایران بود.

تصویر ۱۷. صفحه اول، دوم و سوم از شماره ۳۶۳ چاپ حرفی، تغییر میان عنوان‌ها به خوشنویسی و متن‌ها به سه ستون نشان از تغییر وضعیت تعادل به سوی عناصر آمیخته دارد (SANA platform, 2025e)



جدول ۱. مقایسه غلبه نظم و آشوب و عناصر آمیخته در ویژگی‌های بصری ادوار مختلف انتشار روزنامه ایران

نوشتر و متن	سرلوحه				صفحه‌آرایی و آرایش صفحات	
	غلبه آمیختگی		غلبه آشوب		غلبه آمیختگی	
	نظم	آشوب	نظم	آشوب	نظم	آشوب
دوره اول چاپ سنگی از شماره ۱ تا ۲۱۶	-	-	*	*	-	*
دوره دوم چاپ حرفی از شماره ۲۱۷ تا ۳۶۲	-	*	*	*	-	*
دوره سوم چاپ سنگی از شماره ۳۶۳ تا پایان دوره ناصری	*	*	*	*	-	*

نتیجه‌گیری

با انتشار روزنامه ایران و از تقابل میان نظم و آشوب به مثابه یک فرآیند دیالکتیکی در سپهر نشانه‌های مطبوعات قاجار، فصل نوینی از حیات روزنامه‌نگاری ایران آغاز شد. در این دوره، مواجهه با نشریات در سپهر فرهنگی قاجار به عنوان عناصر جدید در بدو امر آشوب و رُمبشی را در سیستم پدید آورد اما سرانجام این آشوب با توسل به رویکردی گذشته‌نگر و اتکا به عناصر مستقر در حافظه و ترکیب آن با عناصری برآمده از تعاملات بین‌فرهنگی، به نظم و سامان یافتگی تبدیل شد و سیستم برای رفع نیازهای خویش در برخی موارد به خلق زبان بصری آمیخته‌ای روی آورد که در نسبتی سیال میان عناصر «خود» و «دیگری» در نوسان است. در ادوار انتشار روزنامه ایران، افزایش آنتروپی ناشی از غلبه آشوب در درون سیستم در بدو امر موجب ایجاد اختلال در سیستم شد. این اختلال و افزایش آنتروپی در یک سو به بی‌نظمی‌ها و عدم تناسب ساختارها در انتشار روزنامه‌ها وابسته بود ولی سوی دیگر آن در عدم تثبیت جایگاه روزنامه‌ها در سپهر نشانه‌ای عصر ناصری بود. به تدریج و با رفع برخی نواقص و تثبیت بیشتر ویژگی‌های بصری و فنی مطبوعات در سپهر نشانه‌ای، این آشوب نسبتاً به نظمی جدید تبدیل شد و از خلال این فرآیند تثبیت و تبدیل، مفاهیم نوینی در سپهر نشانه‌ای ایران عصر قاجار پدید آمد.

در ادوار انتشار روزنامه ایران پس از مدت‌ها مجدداً سیستم به چاپ حرفی روی آورد. این نخستین بار در تاریخ ایران بود که از چاپ حرفی در انتشار روزنامه استفاده می‌شد. بیشتر سیستم این رویه تکنولوژیک را «طرد» کرده بود اما با رجوع مجدد به شیوه چاپ سربی، تلاش برای تغییر نگرش نسبت به مورفولوژی نوشتار به سوی پذیرش عناصر وارداتی و فرآیند تبدیل آشوب به نظم در جهت «جذب» «دیگری» پدیدار شد. همچنین پذیرش نحوه سازماندهی متن‌ها بر اساس الگوی نشریات غربی در روزنامه ایران، به مثابه یک تغییر دیگر به سوی «دیگری» و در جهت تثبیت و بهره‌مندی از عناصر مولد آشوب و «فراموشی» «خود» آشکارتر شد. در ادوار گذشته نیز آشوب مطبوعات موجب تغییر در مورفولوژی خوشنویسی برای همگامی با تکنولوژی چاپ و ارائه ترکیب‌بندی‌های

تصویر ۱۸. شماره ۵۶۳ روزنامه ایران که مجدداً به شیوه چاپ سنگی منتشر شده است (SANA platform, 2025f)



صرف وقت فراوان برای تهیه نسخه‌های مکتوب با خط نستعلیق، رفع مشکلات تصویرگری در روزنامه، ارائه رویکردی متناسب با مشکلات فنی در چاپ سنگی و حروفی، جایگزینی یک روزنامه واحد به جای چندین عنوان روزنامه، برقراری نظم انتشار روزنامه دولتی و ... همچنین اصلاح برخی تجربه‌های گذشته در انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه و روزنامه دولت علیه ایران و روزنامه‌های دولتی دیگر مانند ترکیب‌های پیچیده متنی و خوشنویسی فاخر پرکار برای عنوان‌های درون متن، مصور بودن نسخ در این روزنامه ممکن شد و شیوه انتشار این روزنامه به مثابه یک الگو تا پایان دوره ناصری مورد استفاده در سایر نشریات دولتی قرار گرفت.

متنی و لی‌اوت‌های نوین برای حل مسئله سازماندهی متن روزنامه‌ها و ارائه ترکیب‌های نوین برای هم‌نشینی متن و تصویر، استفاده هدفمند از تزیینات نوین برآمده از تعاملات فرهنگی شده بود. لذا به طور کلی می‌توان چنین استنباط کرد که در روزنامه ایران هویت بصری جدیدی در حال تکوین بود که از درهم آمیزی سنت‌ها و خود-الگوهای مستقر در مرکز با عناصر وارداتی برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های درونی و ترکیب آن با نیروهای بیرونی پدید آمد و هدف آن رفع نیازهای سیستم به شکلی مفیدتر و کارآمدتر بود. این زبان بصری درصدد ارائه راهکاری نوین برای رفع برخی مشکلات درونی آن دوره روزنامه‌ها بود که برخی از این موارد عبارتند از: عدم تناسب شیوه‌های نگارش با تعداد شمارگان روزنامه با توجه به

پی‌نوشت‌ها

۱. دمیورژ *Demiurge* یا صانع، مفهومی است که افلاطون به عنوان علت فاعلی جهان در مقابل نگاه مادی‌گرای فیلسوفان پیش از خود مانند تالس و آناکسیمنس و هراکلیتوس ارائه کرد. در نظر افلاطون این صانع جهان را از عدم خلق نکرده است بلکه آن را از بی‌نظمی و آشفتگی (Chaos) نجات داد و بر اساس طرح و نقشه‌ای قبلی منظم کرد و مهم‌ترین ویژگی صانع، ناظم بودن اوست.
۲. افلاطون در آثار دوران سالخوردگی‌اش در رساله تیمائوس به مفهوم دمیورژ اشاره کرده است و مقصود او از این مفهوم اشاره به صانع عالم است. در نظر او دمیورژ اشکال هندسی را به کیفیات اولیه در مکان ارائه می‌کند و بدین‌سان بی‌نظمی را به نظم در آورده است و جهان مادی تنها بازتابی از این نظم ایده‌آل است. برای مطالعه بیشتر رک: کاپلستون، ۱۹۴۶/۱۳۸۰، ۲۲۰.
3. Cultural Semiotic
4. Yuri Lotman
5. Order- Cosmos
6. Chaos
۷. سپهر نشانه‌ای (Semiosphere) در واقع برآمده و متأثر از مفهوم سپهر زیستی ورنادسکی است که در این نظریه برای تبیین ویژگی‌های فرهنگ به مثابه سیستم به کار رفته است. برای مطالعه بیشتر رک: سمینکو، ۲۰۱۲/۱۳۹۶، ۱۹-۳۳.
8. Entropy
۹. در این باره آثار لوتمان بر میراث یاکوبسن (Roman Jakobson) و باختین (Mikhail Bakhtin) بسیار متکی است اما شرح و بسط او از مقوله فرهنگ، نظریه او را در زمینه نشانه‌شناسی فرهنگی از تاملات و تفکرات یاکوبسن و باختین متمایز می‌کند. برای مطالعه بیشتر نک: لاروسو، ۲۰۱۵/۱۳۹۸، ۷۱-۱۴۵.
10. Culture
11. Margin
12. Center- Norm
13. Self
14. Another
15. None-culture
16. Dialectic
17. Static
18. Dynamic
19. Cybernetic
۲۰. این تأثیرات پس از پایان یافتن دوران استالین و با ترجمه آثار نوربرت وینر (Norbert Wiener) و رز آشنی (Ross Ashby) آغاز شد. برای مطالعه بیشتر درباره تارخچه سایبرنتیک در اتحاد جماهیر شوروی رک: سمینکو، ۲۰۱۲/۱۳۹۶.
21. Andrey Nikolaevich Kolmogorov
22. $H=h1+h2$
۲۳. وضعیت آشوب در سیستم ممکن است در اثر کنش‌های عناصر داخل سیستم نیز خلق شود و صرفاً به حضور عناصر بیرونی متکی نیست. برای مطالعه بیشتر رک: لوتمان، ۱۳۹۷/۱۹۹۲.
۲۴. این تفکر نزد متفکرینی چون باراتینسکی (Yevgeny Baratytsky) و مرژکوفسکی (Dmitry Merezhkovsky) وضعیت انسان نخستین پیش از پیدایش مظاهر فرهنگی را توصیف می‌کند؛ یعنی انسان در ذات طبیعی‌اش خائوس در هیات فرهنگی و خرده‌مندش کاسموس است. برای مطالعه بیشتر رک: پاکتچی، ۱۳۸۳، ۱۷۹-۱۹۵.
۲۵. این عناصر برآمده از خود-الگوهای پیشینی است که حافظه سیستم را شکل داده و

اصلی‌ترین عناصر برساننده هویت هستند.

26. Chaotic

27. Cosmic

28. Cosmetic

29. Self- model

۳۰. لوتمان معتقد است در این فرآیند «خود-الگوهای» وجود دارد که مقولات انفجاری برای تدریجی شدن در نسبت با «خود فرهنگی» به یکی از آن‌ها تبدیل می‌شوند. این الگو می‌تواند در سه شکل پدیدار شود. خود الگوی فرهنگی نتیجه مسیر نخست و هدف آن، دستیابی به بیشترین شباهت به فرهنگ به‌راستی موجود است. دوم اینکه، ممکن است خود-الگوهای فرهنگی ظهور یابند که با رویه فرهنگی معمولی متفاوت اند و حتی ممکن است برای تغییر آن رویه طراحی شده باشد (لوتمان، ۱۳۹۷/۱۹۹۲: ۱۸). سوم اینکه، خود-الگوهای فرهنگی وجود دارند که به عنوان یک خودآگاهی فرهنگی آرمانی، جدای از فرهنگ و بدون گرایش به آن ادامه حیات می‌دهند (لوتمان، ۱۳۹۷/۱۹۹۲: ۱۹).

۳۱. از آنجایی که در نظریه لوتمان متن به مثابه سیستم و سیستم به مثابه متن در نظر گرفته می‌شود می‌توان این وضعیت را در باره هر موجودیت نشانه‌ای سیستمی در نظر گرفت. اگر این وضعیت برای نشانه‌ها در متن و یا اثر هنری محقق شود یعنی امکان فهم صحیح گزاره‌ها ممکن نمی‌شود و وضعیت آنرو پیک ادامه می‌یابد که موجب گسست متنیت خواهد شد. برای مطالعه بیشتر رک: Lotman, 1977, pp. 25-28.

32. Creole

۳۳. آمیختگی یا کریول اساساً اصطلاحی است که در زبان‌شناسی درباره زبان‌های مرکب به کار می‌رود اما در نظریه نشانه‌شناسی فرهنگی برای توصیف درهم آمیزی رمزگان‌های مختلف درون فرهنگ و سپس تثبیت آن‌ها به کار می‌رود.

۳۴. با ورود فناوری چاپ و انتشار اولین روزنامه فارسی علاوه بر رشد آگاهی طبقات گوناگون اجتماعی و پدیداری تحولات سیاسی، فرهنگی و هنری، آغاز رسمی هنر گرافیک ایران نیز شناخته می‌شود برای مطالعه بیشتر رک: افشار مهاجر، کامران. (۱۳۹۱). هنرمند ایرانی و مدرنیسم. انتشارات دانشگاه هنر، ۸۵-۹۶.

۳۵. لازم به ذکر است که روزنامه وقایع اتفاقیه در شماره نخست با نام روزنامه‌چهار اخبار دارالخلافه طهران منتشر شده است و از شماره‌های بعد تغییر نام داد.

۳۶. از شماره‌های روزنامه ایران که تقریباً به صورت منظم منتشر می‌شد، ۸۸۰ شماره در دوره سلطنت ناصرالدین شاه منتشر شده است و بقیه شماره‌های آن متعلق به دوره مظفری است. از این شمارگان ۸۷۸ شماره با مدیریت اعتمادالسلطنه و دو شماره با مدیریت محمد باقر ادیب‌الممالک منتشر شده است. برای مطالعه بیشتر رک: قاسمی، ۱۳۸۰، ۴۷-۸۴ و ۱۳۷۳-۱۴۲۸.

۳۷. به نظر می‌رسد که افراد فوق به انضمام مجموعه‌ای از مولفین و مترجمین که از آنان در سمت‌های گوناگون در نشریه نام برده شده، زیر نظر اعتمادالسلطنه در دارالطباعة و وزارت انطباعات در انتشار سایر نشریات این دوره نیز همکاری داشته‌اند.

۳۸. انتصاب حسین خان سپهسالار به صدارت در سال اول انتشار این روزنامه صورت گرفت.

۳۹. دوره صدارت حسین خان سپهسالار یکی از مهم‌ترین تلاش‌های دوره ناصری برای ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار سیستم بود. هر چند اقدامات او همپای اصلاحات

- doi.org/10.30465/lir.2022.39178.1425 (in Persian)
- Copleston, F. (2001). *A history of philosophy, Volume 1: Greece and Rome* [Tarikh-e falsafeh, jeld 1: Yunân va Rum] (S. J. Mojtabavi, Trans.). Entesharat-e Elmi va Farhangi. (Original work published 1946) (in Persian)
- Eftekhari Yekta S, Mohamadzadeh M, Nasri A. (2020). Discourse analysis of the position of Fath-Ali Shah and Naser al-Din Shah's bodies in Qajar semiosphere [Tahlil-e goftemâni-ye nahve-ye gharar-giri-ye badan-e Fath'ali Shah va badan-e Nasereddin Shah dar sepehr-e neshâne-i Qajar]. *mth*. 9(18), 121–135. <https://doi.org/10.29252/mth.9.18.121> (in Persian)
- Eftekhari Yekta, S., nasri, A., & Mohammadzadeh, M. (2023). Connotation of position of Nasir-al-Din Shah's Body in the mirror hall of Kamal-al-Molk based on the theory of Yuri Lotman [Mafhum-e jāyghâh-e badan-e Nasereddin Shah dar talâr-âyeneh-ye Kamal-al-Molk bar mabnâ-ye nazariye-ye Yuri Lotman]. *Negareh Journal*, 18(65), 169-179. <https://doi.org/10.22070/negareh.2021.5018.2366> (in Persian)
- Forghani, M. and Hamzei, M. (2013). The reflection of modern culture components in Qajar era newspapers: a study of Vaghaye-e Etefaghīyeh and Akhtar newspapers [Bâztâb-e molakke-hâ-ye farhang-e modarn dar matbu'ât-e 'asr-e Qājâr (barrasi-ye roznâmeh-ye Vaghâye' Etefâghīye va Akhtar)]. *Fasname-ye 'Olum-e Ejtemâ'i (Quarterly Journal of Social Sciences)*, 61, 146–183. <https://doi.org/10.22054/qjss.2013.9800> (in Persian)
- Haghaeigh, A., & Shayestehfar, M. (2014). Oppositional binary of “the self” and “the other” in two illustrated versions of Shahnameh, Shahnameh of Shah Tahmasb and Shahname of Shah Ismael II: An Analysis of the Cultural Semiotic Model [Taḳābol-e 'khod' va 'digari' dar doonegare az Shāhnāmeh-ye Shāh Tahmasb va Shāhnāmeh-ye Shāh Esmā'il Dovom, tahlili bar mabnâ-ye olgou-ye neshāneshenâsi-ye farhangī]. *Kimiya-ye-Honar*, 3(12) 51–66. <http://kimiahonar.ir/article-1-279-en.html> (in Persian)
- Kellbert, E. (2021). Entropy as a trope: Yuri Lotman's general theory of communication as a case study in interdisciplinarity. *World Literature Studies*, 4 (13), 55–70. <https://doi.org/10.31577/WLS.2021.13.4.5>
- Larouso, A. M. (2019). *Cultural semiotics for a cultural perspective in semiotics* [Neshâne-shenâsi-ye farhangi, jostojuy-e manzari-ye farhangi dar neshâne-shenâsi]. (H. Sarfaraz, Trans.). Entesharât-e 'Elmi va Farhangi. (Original work published 2015) (in Persian)
- Lotman, Y. (1998). *Universe of the Mind* (A. Shukman Trans.). I.B Tauris. (Original work published 190)
- Lotman, Y. (2018). *Culture and explosion* [Farhang va enfijâr]. (N.Aghâ Ebrahimi, Trans.). Entesharât-e Tamaddon-e 'Elmi. (Original work published 1992) (in Persian)
- Lotman, Y., & Ouspensky, B. A. (2017). On the mechanism of cultural semiotics [Dar bâb-e sâz va kâr-e neshâne-shenâkhti-ye farhang]. In *Cultural semiotics* [Neshâne-shenâsi-ye farhangī] (41–74). (Farzan Sajoodi, Trans.). 'Elm. (Original work published 1978) (in Persian)
- Lotman, Y. (1977). *The Structure of the Artistic Text* (G. Lenhoff & R. Vroon Trans). University of Michigan. (Original work published 1970)
- Mohit Tabataba'i, M. (1987). *An analytical history of Iranian press* [Târikh-e tahlili-ye matbu'ât-e Irân]. Mo'asseseh-ye Entesharât-e Besât.
- امیر کبیر نبود اما در یک نگاه منصفانه بسیار حائز اهمیت و تاثیر گذار بود. خبر انتصاب ایشان در روزنامه/ایران، ش. ۵۳، چهارشنبه ۸ رمضان ۱۲۸۸ هـ ق ص: ۲ درج شد. برای مطالعه بیشتر درباره این دوره رک: آدمیت، ۱۳۵۱.
۴۰. پیشتر ناصرالدین شاه دستور داده بود تا مانند اروپا تعداد روزنامه‌ها مکرر شود اما پس از مدتی وضعیت نابسامان شد به طوری که تغییر مکرر نام‌ها و تعدد عناوین روزنامه‌ها حکایت از این مسئله دارد و پس از این فرمان روزنامه دولتی و علمی و ملتی تعطیل و روزنامه/ایران جایگزین آن‌ها شد. برای مطالعه بیشتر رک: قاسمی، ۱۳۸۰.
۴۱. لوتمان در کتاب فرهنگ و انفجار به تبیین چگونگی پیدایش مولفه‌های انفجاری در سیستم پرداخته و معتقد است که هر فرهنگ برای پذیرش این مؤلفه‌ها، بایستی آن را تدریجی کند. برای مطالعه بیشتر رک: لوتمان، ۱۳۹۷/۱۹۹۲.
۴۲. نوشتار کلمه ایران در این نشانه بر خلاف نشانه‌نویسه روزنامه دولت علیه ایران که به صورت مستقیم از خوشنویسی نستعلیق بهره گرفته بود و نخستین نشانه نوشته روزنامه‌های فارسی داخل کشور محسوب می‌شود، نسبتاً از معیارهای خوشنویسی عبور کرده و به یک فضای متأثر از آن دست یافته است.

فهرست منابع

- Adamiyat, F. (1972). *The idea of progress and the rule of law: the era of Sepahsalar* [Andishe-ye taraghi va hokumat-e ghanun 'asr-e Sepahsalar]. Kharazmi Publishing Company. (in Persian)
- Afzal Tousi, E. & Mohammadkhani, E. (2010). Visual features of newspapers of the Qajar era in transition from lithography to letterpress [Vijeghi-ha-ye basari-ye roznâmeh-hâ-ye dowre-ye Qajar dar gozar az chap-e sangi be chap-e sarbi]. *Ganjine-ye asnad*, 78, 71–87. <http://noo.rs/JI9Wb> (in Persian)
- Algoune Jonqâni, M. (2015). A study on the structure of the artwork from Lotman's perspective [Pajuheshi darbâre-ye sâxtâr-e asar-e honari az cheshmandâz-e Lotman]. *Fasname-ye Takhasosi-ye Naghd-e Adabi*, 8(31), 15–39. <https://doi.org/20.1001.1.20080360.13.94.8.31.4.9> (in Persian)
- Andrews, E. (2015). The importance of Lotmanian semiotics to sign theory and the cognitive neurosciences. *Sign System Studies*, 43(2/3), 347–364. <https://doi.org/10.12697/SSS.2015.43.2-3.10>
- Asnaashari, N. (2024). A review on the social reflections of the image of Naser al-din shah in the royal illustration press (A case study of the image of Naser al-din shah in the issue 1 of Sharaf newspaper) [Gozarî bar bâztabhâ-ye ejtemâ'i-ye tasvir-e Nâsereddin shâh dar matbu'ât-e mosavvar-e darbari]. *Archaeological Research of Iran*, 13(39), 327-348. <https://doi.org/10.22084/nb.2023.27284.2543> (in Persian)
- Baygzade, K. and Ahmadi, P. (2023). Analysis of Baha Taher novels based on cosmos and chaos (case study: The Migration Novel “Eshgh Dar Tabied” and the “Zemstan Tars” story collection) [Tahlil-e roman-haye mohajerat Baha Taher bar paye-ye kosmos/nazm va khaos/ashub (motale'e-ye moradi: roman-e mohajerat “Eshgh dar tab'id” va majmu'e-ye dâstân “Zemestan-e Tars”)]. *Arabic Literature*, 15(2), 1-22. <https://doi.org/10.22059/JALIT.2022.342286.612544> (in Persian)
- Baygzade, K., ahmadi, P., jabri, S. and naderifar, A. (2023). Comparative analysis of chaos and order in the novels of the Chah-e Babel and Vaha0e Ghoroub s based on the Lutman cultural semiotics model. *Literary Interdisciplinary Research* [Tahlil-e taṭbighi-ye âšûb va nazm dar român-hâ-ye Châh Bâbel va Wâḥe-ye Ghorûb bar pây-e-ye algû-ye neshâneshenâsi-ye farhangī-ye Lûtman]. *Literary Interdisciplinary Research*, 5(9), 77-102. <https://doi.org/10.22059/JALIT.2022.342286.612544>

- Moosavi Bejnordi, K. (2011). *The Great Islamic Encyclopedia* (Vol. 19) [Dāreḥ-ol-ma'āref-e bozorg-e Eslāmi, jeld-e 19]. Markaz-e Dāreḥ-ol-ma'āref-e Bozorg-e Eslāmi.
- Najoomian, A. (2011). *Semiotics of culture* [Neshāne-shenāsi-ye farhangī]. Sokhan. (in Persian)
- Noth, W. (2015). Topography of Yuri Lotman Semiosphere. *International Journal of Cultural Study*, 18(1), 11–26. <https://doi.org/10.1177/1367877914528114>
- Pakatchi, A. (2004). Mutual concepts of nature and culture in the field of cultural semiotics of the Tartu/Moscow school [Mafāhim-e moteghābel-e tabiat va farhang dar hoveye neshāneshenāsi-ye farhangī-ye Maktab-e Tartu/Moskow]. In *proceeding of conferences 1* [Majmue-ye maghālāt-e ham-andishi-ha 1] (179–204). Farhangestan-e Honar. (in Persian)
- Pakatchi, A. (2011). Meaning-making through the arrangement of chaos in order in a cultural semiotic approach [Mānasazi ba Chinesh-e Ashoub dar Nazm dar Roykard-e Neshaneshenasi-ye Farhangī]. In *Cultural Semiotics* [Neshāne-shenāsi-ye farhangī] (87–118). (A. Nojournian Ed.). Sokhan. (in Persian)
- Panjehbashi, E., & Dadvar, A. (2013). Comparative study of epigraphs early issues of *Vaghaye' Etefaghieh and Dolat Ellieh Iran newspapers*. *mth*, 3(5), 91–102. <https://Sid.Ir/Paper/205375/En> (in Persian).
- Parvin, N. (1998). *History of Iranian journalism and other Persian writers* (Vol. 1) [Tārikh-e roznāme-negāri-ye Irāniān va digar Fārsi-nevisān]. Markaz-e Nashr-e Daneshgahi. (in Persian).
- Ghasemi, S. F. (2001). *The history of Iranian press: The era of Mohammad Shah and Naser al-Din Shah* [Sargozasht-e matbū'at-e Iran, rouze-gar-e Mohammad Shah va Naser al-Din Shah]. Sazman-e Chap va Entesharat-e Vezarat-e Farhang va Ershad-e Eslami. (in Persian)
- Ruznāmeḥ Dowlat-e Aliye-ye Iran* [the Newspaper Collection]. (1991). Ketābkhāneh-ye Melli-ye Iran. (in Persian)
- Ruznāmeḥ Iran* [the Newspaper Collection]. (1995). Ketābkhāneh-ye Melli-ye Iran. (in Persian)
- Ruznāmeḥ Vaghāei Etefaghieh* [the Newspaper Collection]. (1995). Ketābkhāneh-ye Melli-ye Iran. (in Persian)
- Sadr Hashemi, M. (1984). *History of Iran's Newspapers and Magazines* [Tārikh-e jarāyeh va majallāt-e Iran]. Kamal Publication. (in Persian)
- SANA Platform-National Library and Archives of Iran (2025b, November 17). *The Iran Newspaper*. No. 99. <https://sana.nlai.ir/handle/123456789/43350>
- SANA Platform-National Library and Archives of Iran (2025c, November 17). *The Iran Newspaper*. No. 99. <https://sana.nlai.ir/handle/123456789/77760>
- SANA Platform-National Library and Archives of Iran (2025a, November 17). *The Dowlat Ellieh Newspaper*. No. 588. <https://sana.nlai.ir/handle/123456789/66474>
- SANA Platform-National Library and Archives of Iran (2025d, November 17). *The Iran Newspaper*. No. 217. <https://sana.nlai.ir/handle/123456789/77816>
- SANA Platform-National Library and Archives of Iran (2025f, November 17). *The Iran Newspaper*. No. 563. <https://sana.nlai.ir/handle/123456789/76967>
- SANA-National Library and Archives of Iran (2025i, November 17). *The Iran Newspaper*. No. 362. <https://sana.nlai.ir/handle/123456789/77968>
- Semenenko, Aleksey (2017). *The Texture of Culture: An introduction to Yuri Lotman's semiotic theory* [Tār va Pood-e Farhang, darāmad-i bar nazariye-ye neshāneshenākhti-ye Yuri Lotman]. (Hossein Sarfaraz, Trans.). Tehran: Elmi va Farhangi Publishing. (Original work published 2012) (in Persian)
- Sojudi, F. (2016). *Collected papers in cultural semiotics* [Majmue-ye maghālāt-e neshāneshenāsi-ye farhangī] (Second Edition). Nashr-e Elm. (in Persian)
- Tamm, M. (2019). *Juri Lotman-culture, memory and history, essays in cultural semiotics*. Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-14710-5>
- Tayefi, S., & Sohrabi, Z. (2021). A semiotic critighue of the function of chaos in order in the first chapter of Saadi's Golestan [Naghde neshānegheshte'i kār kard-e āshub dar nezm dar bāb-e aval-e Golestān-e Saadi]. *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*, 12(26), 285–314. <https://doi.org/10.22075/jlrs.2021.24063.1958> (in Persian)
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۱). اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار. انتشارات خوارزمی.
- اثنی عشر، نفیسه (۱۴۰۲). گذری بر بازتاب‌های اجتماعی تصویر ناصرالدین شاه در مطبوعات مصور درباری (مورد مطالعاتی تصویر ناصرالدین شاه در نمره ۱ روزنامه شرف). *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۱۳ (۳۹)، ۳۲۷–۳۴۸. <https://doi.org/10.22084/nb.2023.27284.2543>
- افتخاری‌یکتا، شرار، محمدزاده، مهدی و نصری، امیر (۱۳۹۸). تحلیل گفتمانی نحوه قرارگیری بدن فتحعلیشاه و بدن ناصرالدین‌شاه در سپهر نشانه‌های قاجار. *دوفصلنامه علمی مطالعات تطبیقی هنر*، ۹ (۱۸)، ۱۲۱–۱۳۶. <https://doi.org/10.229252/mth.9.18.121>
- افتخاری‌یکتا، شرار، محمدزاده، مهدی و نصری، امیر (۱۴۰۲). مفهوم جایگاه‌بدن ناصرالدین شاه در تالار آینه کمال‌الملک بر مبنای نظریه یوری لوتمان. *فصلنامه علمی نگره*، ۶۵، ۱۶۹–۱۷۹. <https://doi.org/10.22070/negareh.2021.5018.2366>
- افضل طوسی، غفت‌السادات و محمدخانی، الهام (۱۳۸۹). ویژگی‌های بصری روزنامه‌های دوره قاجار در گذار از چاپ سنگی به چاپ سربی. *کنجینه اسناد*، ۷۸، ۷۱–۸۷. <http://noo.rs/JI9Wb>
- الگونه جوفتانی، مسعود (۱۳۹۴). پژوهشی درباره ساختار اثر هنری از چشم‌انداز لوتمان. *فصلنامه تخصصی نقد ادبی*، ۱ (۳۱)، ۱۵–۳۹. <https://doi.org/20.1001.1.200>
- بیگ‌زاده، خلیل و احمدی، پریسا (۱۴۰۲). تحلیل رمان‌های مهاجرت به طاهر بر پایه کاسموس/نظم و خائوس/آشوب (مطالعه موردی: رمان مهاجرت عشق در تبعید و مجموعه داستان زمستان ترس). *ادب عربی*، ۱۵ (۴)، ۱–۲۲. <https://doi.org/10.22059/JALIT.2022.342286.612544>
- بیگ‌زاده، خلیل؛ احمدی، پریسا؛ جبری، سوسن و نادری‌فر، عبدالرضا (۱۴۰۲). تحلیل تطبیقی آشوب و نظم در رمان‌های *جاء بابل* و *واحه غروب* بر پایه الگوی نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمان. *پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی*، ۵ (۹)، ۷۷–۱۰۲. <https://doi.org/10.30465/lir.2022.39178.1425>
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۳). مفاهیم متقابل طبیعت و فرهنگ در حوزه نشانه‌شناسی فرهنگی مکتب تارتو/مسکو. در *مجموعه مقالات هم‌اندیشی‌ها ۱* (۱۷۹–۲۰۴). انتشارات فرهنگستان هنر.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۰). معناسازی با چینش آشوب در نظم در رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی. در *نجومیان، امیر علی (ویراستار)، نشانه‌شناسی فرهنگ* (صص. ۸۷–۱۱۸). انتشارات سخن.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷). *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان* (جلد اول). مرکز نشر دانشگاهی.
- پنجه‌باشی، الهه و دادور، ابوالقاسم (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی سرلوحه شماره‌های نخست روزنامه‌های وقایع اتفاقیه و دولت علیه ایران. *مطالعات تطبیقی هنر*، ۳ (۵)، ۹۱–۱۰۱. [SID https://sid.ir/paper/205375/fa](https://sid.ir/paper/205375/fa)
- حقایق، آذین و مهناز شایسته‌فر (۱۳۹۳). تقابل «خود» و «دیگری» در دوناگاره از شاهنامه شاه‌تیماسب و شاهنامه شاه‌اسماعیل دوم، تحلیلی بر مبنای الگوی نشانه‌شناسی

شاه. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۸۰). تاریخ فلسفه، جلد یکم: یونان و روم (سیدجلال‌الدین
مجتبوی، مترجم). انتشارات علمی و فرهنگی. (چاپ اثر اصلی ۱۹۴۶)

80360.1394.8.31.4.9

لاروسو، آنا ماریا (۱۳۹۸). نشانه‌شناسی فرهنگی، جست‌وجوی منظری فرهنگی در
نشانه‌شناسی (حسین سرفراز، مترجم). انتشارات علمی و فرهنگی. (چاپ اثر اصلی
۲۰۱۵)

لوتمان، یوری (۱۳۹۷). فرهنگ و انفجار (نیلوفر آقابراهیمی، مترجم). انتشارات تمدن
علمی. (چاپ اثر اصلی ۱۹۹۲)

لوتمان، یوری و اوسپنسکی، بی. ای (۱۳۹۶). در باب سازوکار نشانه‌شناختی فرهنگ
(فرزان سجودی، مترجم). در نشانه‌شناسی فرهنگی. نشر علم (صص. ۴۱-۷۴). (چاپ
اثر اصلی ۱۹۷۸)

محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶). تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. مؤسسه انتشارات بعثت.
موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۹۰). دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (جلد ۱۹). مرکز
دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

نجومیان، امیر علی (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی فرهنگ (ی). انتشارات سخن.

فرهنگی. فصلنامه کیمیای هنر، ۳(۱۲)، ۵۱-۶۶. <http://kimiahonar.ir/arti-cle-1-279-fa.html>

روزنامه/ایران (۱۳۷۴). انتشارات کتابخانه ملی ایران.

روزنامه دولت علیه ایران (۱۳۷۰). انتشارات کتابخانه ملی ایران.

روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۳۷۴). انتشارات کتابخانه ملی ایران.

سجودی، فرزانه (۱۳۹۶). مجموعه مقالات نشانه‌شناسی فرهنگی (چاپ دوم). نشر علم.
سمنکو، الکسی (۱۳۹۶). تارو بود فرهنگ، درآمدی بر نظریه نشانه‌شناختی یوری لوتمان
(حسین سرفراز، مترجم). انتشارات علمی و فرهنگی. (چاپ اثر اصلی ۲۰۱۲)

صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات ایران. انتشارات کمال.

طایفی، شیرزاد و سهرابی، زهره (۱۴۰۰). نقد نشانه‌شناختی کارکرد آشوب در نظم در
باب اول گلستان سعدی. مطالعات زبانی و بلاغی، ۱۳(۲۶)، ۳۱۴-۲۸۵. <https://doi.org/10.22075/jlrs.2021.24063.1958>

فرقانی، محمد مهدی و حمزه‌ئی، مهدیه (۱۳۹۲). بازتاب مؤلفه‌های فرهنگ مدرن در
مطبوعات عصر قاجار (بررسی روزنامه وقایع اتفاقیه و اختر). فصلنامه علوم اجتماعی،
۶۱(۱)، ۱۴۶-۱۸۳. <https://doi.org/10.22054/qjss.2013.9800>

قاسمی، سید فرید (۱۳۸۰). سرگذشت مطبوعات ایران، روزگار محمد شاه و ناصرالدین



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی